■ روزنـامه فرهنگی، اجتمـاعی صبح ایـران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

سه‌شنبه ۵ آذر ۱۳۹۸ | ۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۳۴ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - 2019 November 26

حدیث روز: بحارالانوار

امام حسن عسکری(ع):
بهترین برادر تو کسی است که خطایت را فراموش کند و احسان تو را به خود، به یاد آورد.

پلک احساس: سعدی

لاابالی چه کند دفتر دانایی را
طاقت وعظ نباشد سر سودایی را

امروز در تاریخ:

- تشکیل بسیج مستضعفین به فرمان امام خمینی(ره) و روز بسیج (۱۳۵۸ش)
- درگذشت مرتضی ممیز، گرافیست و تصویرگر (۱۳۸۴ش)
- درگذشت بابک بیات، آهنگساز ایرانی (۱۳۸۵ش)
- زادروز جان هاروارد، کشیشی که یکی از بنیانگذاران دانشگاه هاروارد است. او در زمان حیاتش ۴۰۰ جلد کتاب و ۷۷۹ پوند به این دانشگاه اهدا کرد (۱۶۰۷م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۱/۵۱ — غروب آفتاب: ۱۶/۵۲
اذان مغرب: ۱۷/۱۲ — نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۸
اذان صبح (فردا): ۵/۲۳ — طلوع خورشید (فردا): ۶/۵۱

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه

تهران	اهواز	تبریز	خرم‌آباد	رشت	زاهدان	زنجان	کرمانشاه
۱۱ / ۵	۲۵ / ۱۱	۱۰ / ۳	۱۸ / ۴	۱۶ / ۸	۱۵ / ۰	۹ / ۰	۱۱ / ۲

حکمت ۴۷: نهج‌البلاغه

ارزش مرد به اندازه همت اوست.

خودنویس

و جاودانگی رازش را با تو در میان گذاشت

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

جان جهان معاصر به ترانه بسته است. ترانه بینش و احساس ما را تمرکز بخشیده و گذرگاهی می‌شود برای فراتر رفتن از اضطراب ناگزیر تمدن معاصر. با روزآمدی‌هایش به روزهای خسته و تکراری‌مان رنگی خواستنی می‌زند و روزهایمان را با درخشش و زیبایی می‌آمیزد. ترانه است که نبض‌مان را می‌گیرد و احساس می‌کنیم لای چرخنده‌های زیست از پا درنمی‌آییم و می‌توانیم ادامه دهیم. به موجودیت شخصی‌مان جلای عمومیت و همگانی می‌دهد و نگاه‌مان را هماهنگ با احساس دیگران به روی دیگران باز می‌کند و با لطافت برآنمان می‌دارد درهای بسته قلب‌مان را به روی جهان بگشاییم و از زمانه‌مان راضی و ناراضی لذت ببریم. لحظه‌هامان را دریابیم و با دل‌نشانی‌ها بیگانه نمانیم.

استاد بابک بیات از آن آهنگسازانی است که ترانه‌هایش با ذهن و روان بسیاری از ما آمیخته و آثارش بر جان و دل‌مان نشسته است. ترانه‌هایی که خاطره‌هامان را رنگی کرده و به ذهنیت‌مان شکل داده و به ما آموخته‌اند چگونه بنگریم و حس کنیم و ابراز نماییم. شماری از ترانه‌های استاندارد که از جاودانه‌ها و همیشه‌های سپهر ترانه‌سازی است دستاورد نگره بابک بیات است. اکنون می‌توانی به یاد بیاری با کدام ترانه‌اش لبخند زده‌ای، با کدام ترانه‌اش گریسته‌ای، با کدام ترانه‌اش امیدوار شده‌ای و به آغازی دوباره اندیشیده‌ای و شروع تازه‌ات را هماهنگ با کدام آهنگ پیش برده‌ای. این ویژگی ترانه‌های ماندگار است که تو را از خوددرگیری می‌رهاند و از دامچاله‌های احساس‌های نارسا فرامی‌برد و خود کوشنده و پرشورت را به تکاپو وامی دارد و مهرانه‌های وجودت را به تابش درمی‌آورد. امروز سال‌یاد سفر اخروی کسی است که با ترانه‌هایش زیسته‌ایم و سهم ماندگار و البته زیبایی از زیستن‌مان را رنگ و بو بخشیده به گونه‌ای که با احساس‌های ماندگار و دلنشین می‌توانیم یادشان کنیم و از خودمان نهراسیم یا خجل نباشیم. ترانه‌هایی که سهمی دارند در پذیرش ما و میزان پذیرندگی‌مان؛ چه پذیرش خود، چه پذیرش جهان. به‌راستی چه افسونی در کارهای یکه و یگانه هست که این چنین بخشی از وجود ما را فتح می‌کند و همراه با خود جاودانه می‌سازد (لااقل برای خودمان). جاودانه شدن با احساس مردم با یادگارها و خاطرات مردم به راستی والاتر موهبتی است که خدای مهربان به کسی هبه می‌کند و ترانه‌هایی از بیات بی‌گمان دارای همین ویژگی مثال‌زدنی است یعنی جاودانگی.

رژیم مدیترانه‌ای بهترین رژیم غذایی

نتایج تازه‌ترین بررسی‌ها حاکی از آن است، رژیم مدیترانه‌ای به حفظ سلامت افراد کمك می‌کند و ضامن سلامت شنوایی آنها نیز است.

به گزارش فارس، محققان این بررسی تأکید می‌کنند، رژیم‌های حاوی سبزیجات زیاد و گوشت قرمز کمتر به سلامت افراد کمك و از ابتلا آنها به بیماری‌های مختلف جلوگیری می‌کند. پژوهشگران آمریکایی در بررسی اخیر خود دریافتند، بزرگسالانی که گوشت قرمز کمتری مصرف می‌کنند و بیشتر سبزیجات می‌خورند، دست‌کم ۳۰ درصد کمتر احتمال دارد که شنوایی خود را از دست دهند. آنها متوجه شدند رژیم‌های غذایی سالم به افراد کمك می‌کنند فرکانس‌های زیاد و متوسط را بشنوند؛ مواد مغذی موجود در سبزیجات، پرتقال، سبزیجات برگ‌دار و ماهی مفید هستند. خوردن سالم گردش خون را بهبود می‌بخشد و ممکن است از آسیب‌های ناشی از اکسیژن کم جلوگیری کند.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با خشایار اعتمادی در سالروز درگذشت بابک بیات

نُت‌هایی که بیات نمی‌شوند

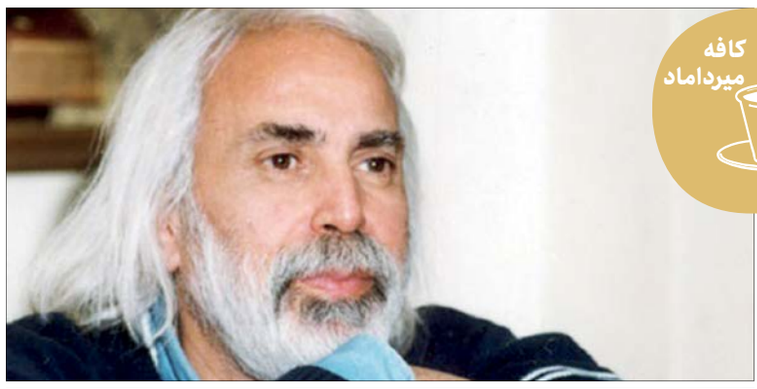

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

فیلم شاید وقتی دیگر ساخته بهرام بیضایی را که دیدم، گیج از سالن سینما آمدم بیرون. داستانی غریب، ساختار قوی و بازی بی‌نظیر سوسن تسلیمی این فیلم را در فهرست آثار سینمای ایران قرار داد که آنها را در دفترچه‌ای می‌نوشتم. یکی دو روزی که گذشت و سکانس‌های کودکی شخصیت اول فیلم که مدام در ذهنم مرور می‌شد و متوجه شدم آنچه این سکانس‌ها را با همه ایهامش برایم جذاب کرده، موسیقی‌ای است که زنده‌یاد بابک بیات برای این فیلم ساخته. زیاد شنیده‌ایم که وقتی کلام ناتوان می‌شود یا به پایان می‌رسد، این موسیقی است که آغاز می‌شود برای بیان آنچه کلمه و زبان از بیان آن عاجز است و در این فیلم بابک بیات، با نت‌ها، ملودی‌ها و سازهای انتخابی اش کاری کرده بود تا تصویر کامل شود و مهم‌تر این که در ذهن بماند با همان حجم ایهام و دلهره. بابک بیات که امروز سالروز درگذشت اوست، با آثار زیادی در ذهن ما زنده است از ترانه بگیر تا موسیقی فیلم. از ترانه‌هایی که دهه پنجاهی‌ها خیلی خوب آنها را می‌شناسند و با خودشان زمزمه می‌کنند تا فیلم‌هایی که موسیقی آنها ماندگار شده و خواننده‌ای هم پای کار بوده و برای آنها خوانده است.

برای بابک بیات نوشتن هم درباره کارهایش، هم درباره خودش و شخصیت اش باید خیلی مراقب می‌بودم. بیات آن‌قدر ترانه و موسیقی فیلم در کارنامه‌اش دارد و آن‌قدر با آدم‌های معتبر کار کرده که کمی اشتباه نوشتن درباره او، خبط بزرگی است. دیروز اول به سیروس الوند تلفن زدم که از دوستان قدیمی زنده یاد بابک بیات است. از همان زمان‌هایی که بیات به خانه پدری آنها رفت و آمد داشته او را می‌شناخته تا این که برای فیلم‌های فریاد زیر آب، دست‌های آلوده و ریشه در خون موسیقی می‌سازد. اما آقای الوند به یکی از روزنامه‌ها درباره بیات یادداشت داده بود که دیروز منتشر شده بود و می‌گفت هر چه درباره‌اش باید می‌گفتم در آن یادداشت نوشتم. در جست و جوهایم برای یافتن فردی که بتوانم درباره بیات حرف‌های متفاوت‌تری بشنوم، به خشایار اعتمادی رسیدم ؛ خواننده‌ای که صدای متفاوتی دارد و برای اولین آلبومش که دلشوره نام دارد، بابک بیات موسیقی ساخته است. اعتمادی دو هفته قبل از دنیای حرفه‌ای موسیقی خداحافظی کرد. او می‌گوید: دنیای موسیقی آن‌قدر فاسد شده که دیگر جای کار ندارد!

آغاز اعتماد و رفاقت

اعتمادی درباره آشنایی‌اش با زنده یاد بابک بیات می‌گوید: من ۱۵ ساله بودم که آقای بیات برای کاری به انگلستان رفته بودند. در آنجا آقای جنتی عطایی را دیده بودند که با دایی من دوست بود. همین آشنایی باعث شده بود تا دایی‌ام سوغاتی را به آقای بیات بدهد تا برایم بیاورد. روزی که آقای بیات به خانه ما آمد، من با پیانو، موسیقی سریال سلطان و شبان را نواختم و او از من پرسید می‌دانی این موسیقی را من ساخته‌ام...؟ از همان جا بود که علاقه عجیبی نسبت به ایشان پیدا کردم. شخصیت معروف و آهنگسازی به خانه ما آمده بود و این حضور به من حس خوبی داد. بیشتر از ۲۰ سال با ایشان اختلاف سن داشتم اما بعد از آن به قدری به من توجه نشان داد و تشویقم کرد که خیلی زود به یکی از بهترین دوستانم تبدیل شد. هر زمان برای موسیقی به مشورت نیاز داشتم به او زنگ می‌زدم و او آن‌قدر بزرگوار بود که جوابم را می‌داد. رفت و آمدهای خانوادگی ما زیاد شد و من تصمیم گرفته بودم خوانندگی را به عنوان حرفه انتخاب کنم. زمانی که تصمیم گرفتم آلبوم منتشر کنم، شروع به صحبت با آقای بیات کردم. از سال ۷۲ بود که کلنجار رفتن را شروع کردم که بتوانم راضی‌اش کنم. اما قبول نمی‌کرد و می‌گفت فضای کشور آماده ترانه پاپ نیست. این را هم بگویم بعد از پیروزی انقلاب تا آن زمان صدا و سیما و وزارت ارشاد بیشتر سرود تولید می‌کرد تا ترانه. عاقبت توانستم که او را راضی کنم برای آلبوم دلشوره موسیقی بسازد و سال ۷۴ آن را منتشر کردیم.

استاد ملودی سازی بود

از اعتمادی می‌پرسم آقای بیات با ترانه‌سراها و خواننده‌های معروف زیادی کار کرده بود و برای فیلم‌های معتبری موسیقی ساخته بود، چگونه توانستید او را متقاعد کنید برای آلبوم شما موسیقی بسازد؟

این خواننده پاپ می‌گوید: ما هر چند اختلاف سنی زیادی با هم داشتیم اما من توانستم اعتماد ایشان را جلب کنم. کاش خودش زنده بود و می‌گفت در من چه دید که اعتماد کرد. ما به یک دیدگاه مشترک در زمینه موسیقی و انتخاب شعر و ترانه رسیده بودیم. وقتی دید من اشعاری از احمد شاملو، شفیعی کدکنی و سهراب سپهری را برای خواندن انتخاب می‌کنم، به من اعتماد کرد. من هنرستان موسیقی نرفته‌ام اما شناخت خوبی از موسیقی داشتم. درباره ساختار موسیقی‌ها و ملودی‌ها با او گفت و گو می‌کردم و نظر می‌دادم. در تنظیم شعر و موسیقی دقت زیادی داشتم و می‌دانستم که مثلا چرا در بخشی از این موسیقی از فلوت استفاده می‌کند. گاهی ملودی را می‌شنیدم و می‌گفتم مثلا اگر این جوری باشد به نظرت بهتر نیست؟ چون دستش در ملودی سازی خیلی باز بود و استاد ملودی‌سازی بود، می‌گفت: صبر کن امتحان کنم ببینم چه می‌شود...! زیبایی کارش این بود که در ساخت اثر خود رای نبود هرچند بسیار باسواد بود و به همه فنون ساخت موسیقی آشنا بود اما به نظر دیگران احترام می‌گذاشت و تا جایی که به کار لطمه نمی‌زد و سطح کار او را پایین نمی‌آورد، قبول می‌کرد. به اعتمادی می‌گویم، آنهایی که از نزدیک با آقای بیات آشنایند از مردم‌داری و روابط خوب او و با اطرافیانش می‌گویند و مهربانی که گویا خیلی بی‌دریغ بوده. می‌گوید: مهربان بود بسیار زیاد اما به اصطلاح زودجوش نبود و این‌جوری نبود که زود با دیگران دوست شود. دوست‌ها و رفقایش محدود بودند؛ چون آدم محافظه‌کاری نبود که بخواهد همه را برای خودش نگه دارد. اگر جایی در کار باید اعتراض می‌کرد، این کار را بدون هیچ رودبایستی انجام می‌داد حتی اگر آن کار و صاحب آن کار را از دست می‌داد. رک بودن یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فردش بود. الکی از کسی تعریف و تمجید نمی‌کرد اگر کسی استعداد خوانندگی یا آهنگسازی یا نوازندگی نداشت رک به او می‌گفت این کاره نیستی یا اتفاق خاصی در این کار برایت رخ نمی‌دهد. با همه اینها قلب مهربانی داشت. در مکان و زمان مناسب زودتر از همه گریه می‌کرد یا زودتر از همه می‌خندید. زیبایی رفتارش در این بود که منفعل نبود و به کنش‌ها، درست‌ترین واکنش را نشان می‌داد.

اسارت ۳ ساله تمساح

یك تمساح غول پیکر به مدت سه سال است که در اطراف گردن خود یك لاستیك موتورسیکلت دارد و تلاش‌های مکرر برای آزاد کردن این حیوان از بند لاستیك شکست خورده است. به گزارش فرارو، این تمساح برای اولین بار در سال ۲۰۱۶ در رودخانه‌ای در پالو در جزیره سولاوسی دیده شد. کارشناسان بر این باورند که این لاستیك برای تمساح سیامی یك خطر جدی است و اگر لاستیك از دور بدنش خارج نشود ممکن است حیوان را خفه کند. مسؤولان حیات وحش در سولاوسی تلاش کردند با استفاده از مرغ به عنوان طعمه تمساح را به خشکی کشانده و فریب دهند اما این حیوان علاقه‌ای نشان نداده است.

طول بدن این تمساح چهار متر است و کماکان در حال بزرگ شدن است و تایر موتورسیکلت هر لحظه ممکن است او را خفه کند.

عکس: ایرنا

کلوت شهداد- کرمان، گرم‌ترین نقطه کره زمین

تلفن همراه ۲۵ ساله شد

شرکت آی‌بی‌ام در تاریخ ۲۳ نوامبر سال ۱۹۹۲ اولین گوشی تلفن همراه دنیا را که به سیمون مشهور شد، عرضه کرد و حالا ۲۵ سال از آن زمان گذشته است. به گزارش مهر، گوشی هوشمند مذکور نخستین بار در نمایشگاه COMDEX لاس‌وگاس در معرض دید عموم قرار گرفت. گوشی سیمون که از نظر ابعاد به اندازه یك پاره‌آجر بود، دارای یك نمایشگر لمسی نیز بود. در فاصله آگوست ۱۹۹۴ تا فوریه ۱۹۹۵ نزدیك به ۵۰ هزار واحد از این گوشی در آمریکا به فروش رفت. از جمله امکانات سیمون می‌توان به ۳۲ کیلوبایت حافظه داخلی اشاره کرد که البته این رقم تا شش مگابایت قابل افزایش بود. برای سیمون تقویم، دفترچه تلفن، ماشین حساب، ساعت، دفترچه یادداشت الکترونیك و قابلیت دریافت و ارسال فاکس و ایمیل هم در نظر گرفته شده بود. البته عمر باتری سیمون فقط یك ساعت بود و لذا باید همیشه در نزدیکی شارژر خود قرار داده می‌شد. وزن این گوشی ۵۱۰ گرم و ابعاد آن هم ۲۰ در ۶/۴ در ۳/۸ سانتی‌متر بود. نمایشگر ۱۶۰ در ۲۹۳ پیکسلی سیمون هم با استفاده از یك قلم هوشمند قابل کنترل بود.

مقطع حساس کنونی

حکایت مرد ماهیگیر و غول+پایان ناگهانی

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

مرد ماهیگیری که هرروز با قایق به دریا می‌رفت و ماهی صید می‌کرد و با فروش آنها زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین می‌نمود، روزی وقتی خواست تورش را که به دریا انداخته بود بالا بکشد، متوجه شد که تورش به چیزی گیر کرده است و به‌سادگی بالا نمی‌آید. بالاخره با تلاش و زور بسیار تور را بالا کشید و مشاهده کرد خمره‌ای از ناحیه گردن در تور او گیر کرده است. مرد ماهیگیر وقتی خمره را به داخل قایق آورد و درش را که به‌سفتی بسته شده بود باز کرد، دودی از خمره بیرون آمد و در بالای سر قایق مرد ماهیگیر به شکل یك غول زشت و بزرگ درآمد. مرد ماهیگیر که به‌شدت ترسیده بود گفت: تو کی هستی؟ غول گفت: من غولم و اکنون بیش از ۳۰۰۰ سال است که در این خمره زندانی‌ام و با خود عهد کرده‌ام به کسی که مرا از خمره آزاد می‌کند اول نشانی گنج پنهان را بدهم و سپس او را بخورم. مرد ماهیگیر گفت: اول نشانی گنج بدهی، بعد بخوری؟ چه کاری است؟ غول گفت: کاری است که پیش آمده و تصمیمی است که اتخاذ شده. سپس محل اختفای گنج پنهان را که در خرابه‌ای در ۲۰ کیلومتری محل سکونت مرد ماهیگیر بود به او گفت و مرد ماهیگیر بلافاصله نشانی را برای همسرش پیامك کرد. غول سپس گفت: آماده مردن شو. مرد ماهیگیر وقتی دید غول در تصمیم خود مصمم است و احتمال تأثیر خواهش و التماس را هم نزدیك به صفر ارزیابی کرد، تصمیم گرفت وی را گول بزند. پس رو به دیو کرد و گفت: من آماده مرگم. فقط پیش از مردن سوالی دارم. دیو گفت: بپرس. مرد ماهیگیر گفت: چرا شما غول‌ها اینقدر دروغگویید؟

غول گفت: چه دروغی گفتم؟ مرد ماهیگیر گفت: من شاید باور کنم که تو ۳۰۰۰ سال داخل خمره بوده‌ای، اما نمی‌توانم باور کنم داخل خمره بوده‌ای. غول به این بزرگی داخل خمره جا نمی‌شود. غول گفت: جا می‌شوم. مرد ماهیگیر گفت: نمی‌شوی. غول گفت: می‌شوم. مرد ماهیگیر گفت: عمرا. غول گفت: می‌خواهی دوباره توی خمره بروم تا ببینی جا می‌شوم؟ مرد ماهیگیر گفت: بلی. در آن‌صورت باور می‌کنم. غول گفت: زکی. بعد هم تو دوباره در خمره را ببندی و بروی در اینستاگرام بنویسی و پز بدهی و لایك و کامنت جمع کنی و دوستانت را منشن کنی و تعداد فالوورهایت را افزایش بدهی؟ و پیش از آن‌که مرد ماهیگیر جوابی بدهد تا از این داستان نتیجه‌ای حاصل شود وی را به‌طور درسته خورد و خاموش کرد.

ازدواج در ارتفاع ۱۱ هزار متری

یك زوج گیمر که از هشت سال پیش در فضای مجازی و در حین بازی آنلاین درباره هواپیما با یکدیگر آشنا شده بودند، سرانجام با یکدیگر ازدواج کردند. این ازدواج در جریان یك سفر هوایی انجام شد.

به گزارش انتخاب، دیوید و کتی والیانت از علاقه‌مندان سرسخت صنعت حمل و نقل هوایی هستند.

دیوید اهل استرالیا و کتی اهل نیوزیلند است. آنها تصمیم گرفتند با هواپیمایی که از سیدنی به اوکلند در پرواز بود و دقیقا در نیمه راه بین دو شهر زمانی که در ارتفاع ۱۱ هزار و ۲۷۸ متری در حال پرواز بودند، ازدواج کنند. این زوج به نمادی برای اتحاد کشورهای خود نیز تبدیل شده‌اند و تصمیم به برگزاری عروسی در هواپیما نیز به دلیل علاقه شدید این زوج به حمل و نقل هوایی است. کتی و دیوید قبل از ملاقات حضوری مدت‌هایی طولانی در یك بازی آنلاین یکدیگر را می‌شناختند. این بازی که «فرودگاه شهر» نام داشت، به‌سرعت به یکی از محبوب‌ترین بازی‌های این زوج تبدیل شد.